

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پاورپوینت عربی نهم

درس سوم

تهیه و تنظیم :

داور گیتی نورد دبیر قرآن و پیام و عربی آذربایجان شرقی شهرستان سراب



الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

فِئَةُ الْأَخَوَيْنِ



فهرست

فعلُ الأمرِ



بدانیم



تمارین



المعجم



متن درس



بدانیم



درست نادرست



أَجْرَةٌ

كُرايه، مُزد



إِخْوَان

ياران، برادران «مفرد: أَخ»



إِعْتَذَرَ

معذرت خواست (مضارع: يَعْتَذِرُ)



أَعْجَز

ناتوان ترین



توجدُ

وجود دارد



جِسْر

پُل «جمع: جُسور»



حَسِبَ

پنداشت (مضارع: يَحْسِبُ)



خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ أَلْفًا

بیست و پنج هزار

25,000



رَجَاءٌ

لطفاً «رَجَاءٌ: امید»



رَجِيمٌ

رانده شده

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ



شَغَلَ

روشن کن «ماضی: شَغَلَ / مضارع: يُشَغَلُ»



عَجَزَ

ناتوان شد (مضارع: يَعْجِزُ)



عَدُوٌّ

دشمن «جمع: أعداء»



غَضَبٌ

خشمگین شد (مضارع: يَغْضَبُ)



غَضَبَان

خشمگین



قَاتِعُ الرَّحِمِ

بُرْنده پیوند خویشان



قَبْلُ

بوسید (مضارع: يُقَبِّلُ)



تقسیم

تقسیم کرد (مضارع: يُقسِّمُ)



گَشَفَ

آشکار کرد (مضارع: يَكْشِفُ)

امام محمد تقی علیه السلام:
آشکار کردن هر چیزی، پیش از استحکام یافتن سبب خرابی آن خواهد بود
منبع: تحف العقول، صفحه ۲۳۹



لا نَرَكِبُ

سوار نمی شویم «ماضی: رَكِبَ»



مَخْرَن

انبار «جمع: مَخازِن»



مَرافِقُ صِحِّيَّة

سرویس بهداشتی



مُعَطَّل

خراب



مُكَيِّف

كولر



جِسْرُ الصَّدَاقَةِ

كَانَ حَمِيدٌ وَ سَعِيدٌ أَخَوَيْنِ . هُمَا كَانَا فِي مَزْرَعَةٍ قَمْحٍ؛ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ وَقَعَتْ عَدَاوَةٌ بَيْنَهُمَا وَ غَضِبَ الْأَخُ الْأَكْبَرُ « حَمِيدٌ » عَلَى الْأَخِ الْأَصْغَرَ « سَعِيدٍ » وَ قَالَ لَهُ: « أُخْرِجْ مِنْ مَزْرَعَتِي »



پل دوستی

حمید و سعید دو برادر بودند. آن دو در یک مزرعه ی گندم بودند. در یکی از روزها دشمنی بین آنها افتاد و برادر بزرگتر «حمید» بر برادر کوچکتر «سعید» عصبانی شد و به او گفت: از مزرعه ی من خارج شو.



و قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِرِزْوَجَةٍ سَعِيدٍ: «أَخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا»
فِي صَبَاحِ أَحَدِ الْأَيَّامِ طَرَقَ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِ حَمِيدٍ؛ عِنْدَمَا فَتَحَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ؛ شَاهِدَ نَجَّارًا؛
فَسَأَلَهُ «مَاذَا تَطْلُبُ مِنِّي؟»

ترجمه

و همسر حمید به همسر سعید گفت: از خانه ی ما خارج شو.
در صبح یکی از روزها مردی در خانه ی حمید را کوبید؛ هنگامی که حمید در خانه را باز کرد
نجاری را دید؛ پس از او پرسید ازمن چه می خواهی؟



أَجَابَ النَّجَّارُ: أَبَحْتُ عَنْ عَمَلٍ؛ هَلْ عِنْدَكَ عَمَلٌ؟ فَقَالَ حَمِيدٌ: «بِالتَّأَكِيدِ؛ عِنْدِي مُشْكِلَةٌ وَحَلُّهَا بِيَدِكَ.» قَالَ النَّجَّارُ: «مَا هِيَ مُشْكِلَتُكَ؟» أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ بَيْتٌ جَارِي؛ هُوَ أَخِي وَعَدَوِّي؛ أَنْظِرْ إِلَى ذَلِكَ النَّهْرِ؛ هُوَ قَسَمَ الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ؛

ترجمه

نجار جواب داد: دنبال کار می گردم؛ آیا کاری داری؟

حمید گفت: البته؛ مشکلی دارم و حل آن بدست توست.

نجار گفت: مشکلت چیست؟ حمید جواب داد: آن خانه ی همسایه ام است؛ او برادر و دشمن من

است؛ به آن رودخانه نگاه کن؛ او با آن رودخانه مزرعه را به دو قسمت تقسیم کرده است.



إِنَّهُ حَفَرَ النَّهْرَ لِأَنَّهُ غَضَبَانُ عَلَيَّ. عِنْدِي أَخْشَابٌ كَثِيرَةٌ فِي الْمَخْزَنِ؛ رَجَاءً، إِصْنَعُ جِدَاراً خَشَبِيّاً بَيْنَنَا.



چون از من خشمگین است این رودخانه را کنده است. من در انبار چوبهای زیادی دارم ؛ لطفا
یک دیوار چوبی بین ما بساز.



ثُمَّ قَالَ لِلنَّجَّارِ: «أَنَا أَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ وَ أَرْجِعُ مَسَاءً.»عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى مَزْرَعَتِهِ مَسَاءً
تَعَجَّبَ كَثِيرًا؛ النَّجَّارُ مَا صَنَعَ جِدَارًا؛ بَلْ صَنَعَ جِسْرًا عَلَى النَّهْرِ؛ فَغَضِبَ حَمِيدٌ وَ قَالَ لِلنَّجَّارِ: «مَاذَا
فَعَلْتَ؟! لِمَ صَنَعْتَ جِسْرًا؟!»

ترجمه

سپس به نجار گفت: من به بازار می روم و عصر برمی گردم .

هنگامی که حمید هنگام عصر به مزرعه اش برگشت بسیار تعجب کرد.

نجار دیواری نساخت بلکه پلی بر روی رودخانه ساخت .

حمید عصبانی شد و به نجار گفت : چه کار کردی : برای چه یک پل ساخته ای؟

فِي هَذَا الْوَقْتِ وَصَلَ سَعِيدٌ وَ شَاهَدَ جِسْرًا فَحَسِبَ أَنَّ حَمِيدًا أَمَرَ بِصُنْعِ الْجِسْرِ؛ فَعَبَرَ الْجِسْرَ وَ بَدَأَ
بِالْبُكَاءِ وَ قَبَّلَ أَخَاهُ وَ اعْتَذَرَ



در این موقع سعید رسید و پلی را دید پس گمان کرد که حمید دستور داده به ساختن پل ؛
پس از پل عبور کرد و شروع کرد به گریه کردن و برادرش را بوسید و عذرخواهی کرد.



ذَهَبَ حَمِيدٌ إِلَى النَّجَّارِ وَ شَكَرَهُ وَ قَالَ: «أَنْتَ صَيِّفِي لِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ. «إِعْتَذَرَ النَّجَّارُ وَ قَالَ: «جُسُورٌ كَثِيرَةٌ بَاقِيَةٌ عَلَيَّ الذَّهَابُ لِصُنْعِهَا».



حمید بطرف نجار رفت و از او تشکر کرد و گفت: تو سه روز مهمان من هستی.
نجار عذر خواهی کرد و گفت: پل های زیادی مانده است. باید به ساختنشان بروم.



مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ: اِثْنَانِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: قَاطِعُ الرَّحِمِ وَ جَارُ السَّوِّءِ.



از سخنان پیامبر خدا :

دوگروه است که خداوند به آنها نگاه نمی کند ، قطع کننده صله رحم و همسایه ی بد



با توجه به متن درس درستی یا نادرستی جمله های زیر را معلوم کنید.

نادرست

درست



۱. قَالَتْ زَوْجَةٌ حَمِيدٍ لِزَوْجَةِ سَعِيدٍ: أَخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا.



۲. صَنَعَ النَّجَّارُ جِدَارًا خَشَبِيًّا بَيْنَ الْأَخْوَيْنِ.



۳. بَقِيَ النَّجَّارُ فِي بَيْتِ حَمِيدٍ لِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.



۴. سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَزْرَعَةَ إِلَى نَصْفَيْنِ.



۵. مَا نَدِمَ سَعِيدٌ وَ مَا قَبَّلَ أَخَاهُ.



۶. حَمِيدٌ أَكْبَرُ مِنْ سَعِيدٍ.



فِعْلُ الْأَمْرِ (١) (يا وَدُّ، اِفْعَلْ) (يا بِنْتُ، اِفْعَلِي)



لِمَ أَنْتِ وَحِيدَةٌ؟ اِئْعَبِي مَعَ زَمِيلَاتِكَ


چرا تو تنهایی؟ با همکلاسی هایت بازی کن.

لِمَ أَنْتَ وَحِيدٌ؟ اِئْعَبْ مَعَ زُمَلَائِكَ.

چرا تو تنهایی؟ با همکلاسی هایت بازی کن.

بدانیم

با فعل امر آشنا شوید. به فرق میان فعل های مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

فعل امر		فعل مضارع		شخص
انجام بده	اِفْعَلْ (مفرد مذکر مخاطب)	انجام می دهی	تَفْعَلْ (مفرد مذکر مخاطب)	
	اِفْعَلِي (مفرد مؤنث مخاطب)		تَفْعَلِينَ (مفرد مؤنث مخاطب)	



بدانیم

فرق فعل مضارع و فعل امر را کشف کنید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَسْمَعُ: می شنوی	إِسْمَعُ: بشنو	تَعْلَمِينَ: می دانی	إِعْلَمِي: بدان
تَجْلِسُ: می نشینی	اجْلِسْ: بنشین	تَجْلِبِينَ: می آوری	اجْلِبِي: بیاور
تَكْتُبُ: می نویسی	اَكْتُبْ: بنویس	تَصُدُقِينَ: راست می گویی	اُصْدُقِي: راست بگو

ترجمه کنید

إِبْحَثْ عَنِ الْمِفْتَاحِ	پیدا کن کلید را	إِزْرَعِي قَمْحاً	گندم بکار
ارْفَعْ عِلْمَ إِيْرَانِ	پرچم ایران را بلند کن	ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ	بسوی پروردگارت برگرد
اطْلُبْ خَيْرَ الْأُمُورِ	بهترین کارها را بخواه	اشْكُرِي أُمَّكَ	از مادرت تشکر کن

التَّمارين



التَّمرين الأوَّلُ



التَّمرين الخامس



التَّمرين الثَّاني



التَّمرين السَّادس



التَّمرين الثَّالث



التَّمرين السَّابع



التَّمرين الرَّابع



كَنْز الحِكمَة



الأربَعينيات



التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ

درستی یا نادرستی جمله های زیر را بر اساس حقیقت بنویسید.



درسته



۱. أَلْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ وَ الْمَوْظَّفُ يَعْمَلُ فِي الْإِدَارَةِ.



نادرسته



۲. مَرَقْدُ الْإِمَامِ الثَّالِثِ فِي مَدِينَةِ مَشْهَدٍ فِي مُحَافِظَةِ خِرَاسَانَ.



درسته



۳. الْمَخْزَنُ مَكَانٌ نَجَعَلُ وَ نَحْفَظُ فِيهِ أَشْيَاءَ مُخْتَلِفَةً.



درسته



۴. بَعْدَ صَدَمَتِ سَيَّارَةٍ عَابِرًا ، يَأْتِي شُرْطِيُّ الْمُرُورِ .



نادرسته



۵. الْجِسْرُ مَكَانٌ يَرْقُدُ فِيهِ الْمَرَضَى لِلْعِلَاجِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي

جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



رَجَاءٌ، اِلْعَبِي مَعَنَا كُرَّةَ الْمِنْضَدَةِ

لطفا با ما تنیس روی میز بازی کن



رَجَاءٌ، اِلْعَبْ مَعَنَا كُرَّةَ الْقَدَمِ

لطفا با ما فوتبال بازی کن

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعل های امر را معلوم کنید.

۱. رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ. المؤمنون: ۱۰۹

پروردگارا ایمان آوردیم پس بیامرز ما را و رحم کن بر ما و تو بهترین مهربانانی

۲. رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ. الأعراف: ۸۹

پروردگارا بگشای میان ما و قوم ما حق و حقیقت را و تو بهترین گشایندگانی

۳. ... وَ اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ. الأعراف: ۱۵۶

برای ما در این دنیا و در آخرت نیکی بنویس

۴. اَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. آل عمران: ۱۴۷

ما را بر گروه کافران یاری ده

۵. قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيمٌ. الحجر: ۳۴

گفت ، خارج شو از آن ، چراکه تو رانده شده هستی

۶. وَ ادْخُلِي جَنَّتِي. الفجر: ۳۰

و مرا در بهشت وارد کن



التَّامِرِينَ الرَّابِعُ

هر کلمه را در جای مناسب از جدول بنویسید.

صِعَابٍ / صَالِحَاتٍ / رَاحِمُونَ / زَوْجَةٌ / جِسْرَيْنِ / تَلْمِيذَتَانِ

جمع مکسر	جمع مؤنث سالم	جمع مذکر سالم	مثنای مؤنث	مثنای مذکر	مفرد مؤنث
صِعَابٍ	صَالِحَاتٍ	رَاحِمُونَ	تَلْمِيذَتَانِ	جِسْرَيْنِ	زَوْجَةٌ



التَّمْرِينُ الخَامِسُ

ترجمه کنید؛ سپس فرق جمله خطاب به مذکر را با جمله خطاب به مؤنث توضیح دهید.

۱. یا اُخِی، اِسْمَعْ کَلَامَ مُدَرِّسِنَا.
ای برادر من ، سخن معلم مان را بشنو
۲. یا اُخْتِی، اِسْمَعِی کَلَامَ مُدَرِّسَتِنَا.
ای خواهرم، سخن معلم مان را بشنو
۳. یا اَیَّتِهَا التِّلْمِیذُ، اَشْکُرُ رَبَّکَ
ای دانش آموز ، پروردگارت را شکر کن
۴. یا اَیَّتِهَا التِّلْمِیذَةُ، اَشْکُرِی رَبَّکَ
ای دانش آموز ، پروردگارت را شکر کن

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

١. مَنْ فِي الْأَرْضِ ، يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ .
٢. الْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا لِعُبُورِ السَّيَّارَاتِ .
٣. سَعِيدٌ الْمَرْعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ .
٤. عَجَزَ الْمَرِيضُ فَ..... فِي الْمُسْتَشْفَى .
٥. ظَلَمْتَ صَدِيقَكَ فَهُوَ عَلَيْكَ .
٦. جَارُنَا يَعْمَلُ فِي الْكِرَاسِيِّ .
- أَسْجُدُ إِرْحَمْ
- مَخْزَنًا جِسْرًا
- حَسِبَ قَسَمَ
- حَفَرَ رَقَدَ
- غَضَبَانُ أَحَبُّ
- مَصْنَعٍ مَلْعَبٍ

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

کلمه های مترادف و متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید.

حَيَاةَ / جَمَالٍ / تَلْمِيزٍ / عِنْدَمَا / حَزِينٍ / قُبْحٍ / مَحْزُونٍ / لَمَّا / شَقَاوَةَ / طَالِبٍ / سَعَادَةَ / مَمَاةَ

تَلْمِيزٍ = طَالِبٍ / عِنْدَمَا = لَمَّا / حَزِينٍ = مَحْزُونٍ

جَمَالٍ ≠ قُبْحٍ / شَقَاوَةَ ≠ سَعَادَةَ

حَيَاةَ ≠ مَمَاةَ

روی جاهای خالی کلیک کنید



كَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.


۱. اِعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)  **بدان همانا پیروزی با صبر است.**

۲. لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)  **کسی که از مردم تشکر نمی کند از خدا هم تشکر نمی کند**

۳- **أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ** . الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع)  **ناتوانترین مردم کسی است که از بدست آوردن برادران ناتوان است**

۴- **إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ** . الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع) 

هر گاه قدرت یافتی بر دشمنت؛ پس عفو و بخشش را شکرانه ی قدرت و تسلط بر او قرار بده

۵- **الْعِلْمُ وَالْأَمْوَالُ يَسْتُرَانِ كُلَّ عَيْبٍ وَالْجَهْلُ وَالْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ** . رَسُولُ اللَّهِ (ص) 

علم و ثروت هر عیبی را می پوشاند و نادانی و فقر هر عیبی را آشکار می سازد



عِنْدَ السَّائِقِ فِي مَسِيرَةِ الْأَرْبَعِينَ الْحُسَيْنِيِّ

نزد راننده در راهپیمایی اربعین حسینی

ترجمه



- الْأَجْرَةُ مَقْطُوعَةٌ. كَمْ نَفَرًا

کرایه ثابت است. شما چند نفرید؟



- أَنْتُمْ هَرَّةٌ كُلُّ نَفَرٍ خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ أَلْفَ دِينَارٍ.

کرایه هر کف بیست و پنج هزار دینار است.



- عَلَى عَيْنِي. بِرُؤْيِ عَيْنِي.



- الْمَكِّيُّ مُعْطَلٌ. كُولِرُ خَرَابٍ اسْت.

ترجمه



- كَمْ أُجْرَةُ نَفَرٍ وَاحِدٍ؟ كَرَايَه يَكُ نَفَرٍ چقدر است؟



- ثَلَاثَةُ نَفَرَاتٍ؟ سَه نَفَرٍ.



- الْأَجْوُ حَارٌّ. رَجَاءٌ، عَلَيْكَ بِالْحَرَكَةِ يَا هَوَا كَرَمِ اسْت. لَطْفًا، أَي آقَاي زَانَدَه لَازِم اسْت حَرَكْت كُنِي.



- سَرْتَجَاءٌ، شَغَلِ الْمَكِّيُّ. لَطْفًا، كُولِرُ رَا رُوشَن كُن.



ترجمه



- عَفْوًا؛ فَلَا نَرْكَبُ هَذِهِ الْحَافِلَةَ.
ببخشید؛ پس سوار این اتوبوس نمی شویم.



- لَا، نَحْنُ نَنْزِلُ. مَعْدِرَةً. نه، ما پیاده می شویم. معذرت می خواهیم.



- رَجَاءً، عَلَيْكَ بِالْوُقُوفِ فِي مَكَانٍ لِأَدَاءِ الصَّلَاةِ وَ لِلِاسْتِرَاحَةِ. لطفاً، لازم است در جایی برای نماز خواندن و استراحت کردن توقف کنید.



- يَا سَائِقُ، أَيْنَ الْوُقُوفُ وَ مَتَى؟

ای آقای راننده، کجا توقف می کنید و چه موقع؟

ترجمه



- أَفْتَحُ نَوَافِذَ الْحَافِلَةِ. پنجره های اتوبوس را باز می کنم.



- لَا بَأْسَ. اشکالی ندارد.



- عَلَى عَيْنِي. به روی چشمم.



فِي أَحَدِ الْمَوَاقِبِ بَعْدَ نِصْفِ سَاعَةٍ.
در یکی از ایستگاه های خدمت رسانی بعد از نیم ساعت.



ترجمه



- نَعَمْ، بِالتَّأَكِيدِ. بله، البته.

ترجمه



- هَلْ تَوْجَدُ مَرَافِقُ صِحِّيَّةً؟ آیا سرویس بهداشتی وجود دارد؟




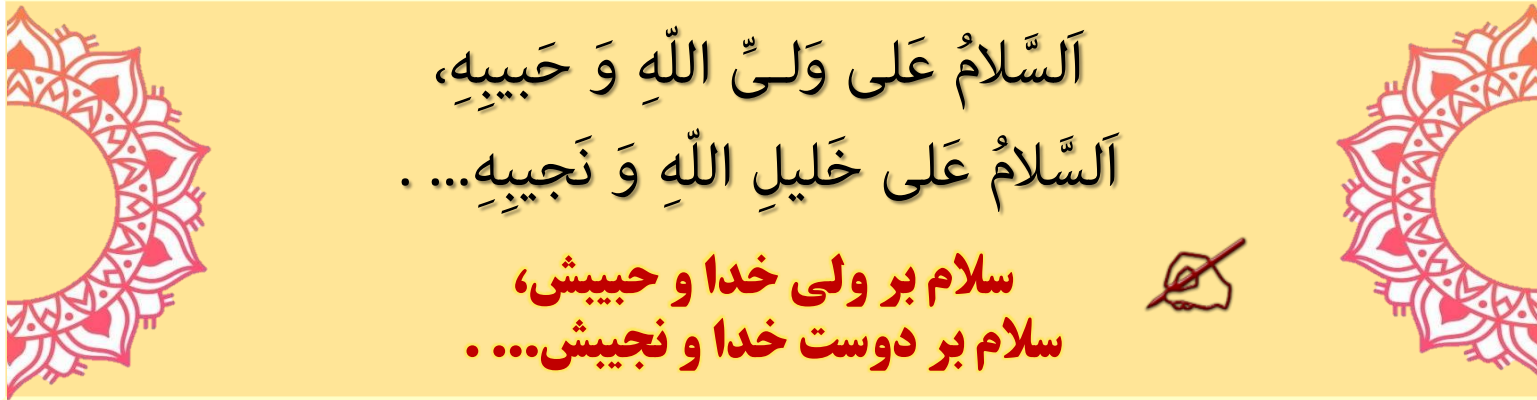
- نَعَمْ، أَعْرِفُ. هَذَا قِسْمٌ مِنْ دُعَاءِ زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ. بله، می دانم. این قسمتی از دعای زیارت اربعین است.

- أَتَعْرِفُ دُعَاءَ زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ؟

آیا دعای زیارت اربعین را میدانی؟

السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ،
السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ... .

سلام بر ولی خدا و حبیبش،
سلام بر دوست خدا و نجیبش... .



می خواهید از برنامه خارج شوید ؟

خیر

بلی

